

دولت وحدت ملی با دیدگاه نامشترک از دشمن مشترک

محمد اکرام اندیشمند

رئیس جمهور غنی قبل از سقوط شهر قندوز، طالبان را مخالفین سیاسی خواند و پس از سقوط این شهر، آنها را باغی نامید. عبدالله عبدالله رئیس اجرایی این حکومت در روزهای جنگ شهر قندوز، از توجیه عملکرد تروریستی طالبان توسط تربیون دولت وحدت ملی زبان شکوه و اعتراض بلند کرد. عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری که پس از جنگ قندوز برای فرماندهی جنگ علیه طالبان به شبرغان رفت، طالبان را نوکر آی.اس.آی خواند. احمدضیا مسعودنماینده رئیس جمهور در امور اصلاحات و حکومت داری خوب در نشست حمایت از رسانه ها (9 عقرب 1393 / 31 اکتوبر 2015) طالبان را یک گروه مزدور و تروریست خواند و صلح با آنها را با این استدلال که صلح با یک گروه تروریست در هیچ جای دنیا تحقق پیدا نکرده است، ائتلاف وقت و نامعقول دانست. نماینده رئیس جمهور در حکومت داری خوب، مذاکرات صلح را فراهم سازی فرصت در جهت تامین منافع پاکستانی ها خواند و اظهار کرد که جنگ فعلی در کشور ما، جنگ پاکستانی ها است، نه جنگ طالبان. و این جنگ، یک جنگ طولانی و فرسایشی خواهد بود و هم باید به آمادگی لازم را به یک جنگ طولانی داشته باشیم.

با توجه به دیدگاه های مسئولین دولت وحدت ملی بر سر طالبان، دو نکته اصلی در مورد بینش و برداشت آنها بر سر طالبان قابل بحث و پرسش است:

1- آنچه که از اظهارات متفاوت و حتی متناقض مسئولین اول دولت وحدت ملی

در مورد طالبان آشکار می شود، تعریف غیر واحد از طالبان و سیاست ناهمسوی این دولت بر سر دشمن در حال جنگ برای سرنگون سازی این دولت است. نکته شگفت آور این جا است که زمام داران دولت وحدت ملی از گروه طالبان که برای نابودی این دولت و دولت مداران آن می جنگند، تصویر و تعریف مشترک ندارند. رئیس جمهور از صلح با این گروه سخن می گوید و خود را به مذاکره در جهت صلح متعهد میداند، اما نماینده اش در حکومت داری خوب، صلح را ضیاع وقت و غیر عملی تلقی می کند.

چرا در یک دولت واحد و متمرکز که افزون بر این ویژگی، پس از توافق هر دو نامزد اصلی و رقیب انتخابات ریاست جمهوری بر سر مشارکت در قدرت، دولت وحدت ملی نام گرفت، رهبران آن دولت دیدگاه و تعریف مشترک از دشمن خود یعنی طالبان ندارند؟ آیا دولت افغانستان در فضای این ناهمسویی میتواند در جنگ با طالبان به پیروزی برسد و یا در صلح با آنها به توافق دست یابد؟

2- در این واقعیت که پاکستان از طالبان حمایت می کند و طالبان در جنگ علیه

افغانستان از سوی پاکستانی ها تمویل و تنظیم می شوند، تردیدی نیست. این را نه تنها مسئولین دولتی افغانستان و افراد و گروه های سیاسی و مدنی می دانند و پیوسته آن را تکرار می کنند، که حتی معتادان خفته در زیر پل سوخته هم در کابل به آن واقف اند و از نقش پاکستان در جنگ طالبان سخن می گویند. اما سوال اصلی به راه حل این مشکل بر میگردد. چگونه افغانستان را میتوان از دخالت پاکستان در جنگ و بی ثبات سازی نجات داد؟

دولت و مردان افغانستان چه برنامه و طرح عملی در این مورد دارند؟ آیا راه حل، ادامه جنگ است و آماده شدن به یک جنگ طولانی و فرسایشی با پاکستان؟

اگر از موضع و موقعیت دولتی در افغانستان صحبت شود، افغانستان سی و پنج سال است که در جنگ با پاکستان قرار دارد و تمام زمام داران افغانستان در کابل این ادعا را مطرح می کنند. آیا دولت ها و زمام داران افغانستان از این موقعیت و این ادعا، دست پاکستان را از دخالت و جنگ کوتاه کرده اند؟ در حالی که کابل یا دولت افغانستان در بسیاری از این سال ها مورد حمایت مستقیم نظامی دو قطب بزرگ نظامی جهان یعنی شوروی اسبق و ایالات متحده امریکا قرار داشت. و کابل اکنون نیز در حمایت نظامی و مالی واشنگتن و اروپای غربی به سر می برد. وقتی دولت مداران کشور ما با دیدگاه و سیاست ناهمسو و غیر عملی در مورد پاکستان سخن می گویند و نوید جنگ فرسایشی و طولانی را با پاکستان می دهند، دولت افغانستان در چه زمانی و با حمایت مستقیم نظامی کدام قدرت خارجی دنیا می تواند در جنگ با پاکستان به پیروزی برسد؟